



درباره یک دستور مهم دینی

واجتماعی، که معمولاً به آن کمتر توجه می‌شود

## زندگی شادمانه

می‌گفت: آقای خامنه‌ای با توجه به سوابقی که از طنز نویسی من سراغ داشتند، به من پیشنهاد دادند که چرا نمی‌روید یک مجله‌ی طنز راه بیاندازید یا این طنز را به طور جدی پیگیری شوید؟ یعنی در حقیقت اولین جرعه‌ی این اتفاق را که مجله‌ی طنز شکل بگیرد، رهبری پیش آوردند و همین هم انگیزه‌ی شد که این مجله شکل بگیرد. "بعدتر، رهبر انقلاب در جشن یک‌سالگی این نشریه، در پاسخ به نامه‌ی گل آقا چنین نوشتند: «خدا را شکر که این طنز شیرین و پرمغز، به دوری جلد شده‌ی یکساله رسید و آزمون‌ی از یک اقدام موفق در یک خلأ فرهنگی و هنری را در برابر چشم همه‌ی کسانی که برای شروع کارهای لازم، تردیدها را بر تصمیم‌ها غلبه می‌دهند، گذاشت.» ۷/۴/۲۷

**سوم.** خوب یا بد، دنیای امروز، دنیای رسانه‌هاست و رسانه‌ها نیز "ارزش‌های خبری" را صرفاً در موضوعاتی چون جنجال و درگیری و شهرت و امثالهم می‌بینند و ضریب می‌دهند. واضح است که در چنین فضای،

دولتی و حکومتی استعفا داد و مشغول نوشتن طنز برای مردم شد.

**دوم.** سال ۶۹، یعنی زمانی که تازه کشور چند ماهی می‌شد از فضای جنگ فاصله گرفته بود و مشغول عمران و سازندگی بود، نقطه‌ی عطفی در زندگی گل آقا، و البته مردم ایران بود. گل آقا که تا پیش از این، حرف‌های طنز خود را در قالب همان ستون طنز "دو کلمه حرف حساب" در روزنامه‌ی اطلاعات منتشر می‌کرد، تصمیم گرفت که آن را تبدیل به یک هفته‌نامه‌ی طنز کند. اینچنین بود که اولین شماره‌ی هفته‌نامه‌ی گل آقا، در آبان ماه ۶۹ منتشر شد و آنقدر مورد استقبال مردمی قرار گرفت، که چندین بار تجدید چاپ شد. بعدها آقای رضا رفیع، از همکاران گل آقا در این نشریه، با اشاره به اینکه اولین جرعه‌ی تأسیس این هفته‌نامه، توسط رهبر انقلاب زده شد گفت: "همه می‌دانند که آقای خامنه‌ای خیلی اهل کتاب و مطالعه هستند و یکی از علاقه‌مندی‌های ایشان، ادبیات طنز است. مرحوم صابری

**اول.** وسط جنگ خانمان برانداز ارتش بعث با ایران، مرحوم کیومرث صابری یا همان "گل آقا" معروف ایرانی‌ها، ستون طنز "دو کلمه حرف حساب" را در روزنامه‌ی اطلاعات (در سال ۶۳) راه‌اندازی کرد. اما ذهن گل آقا همیشه درگیر این سؤال بود که نکند نوشتن طنز، آن هم در زمانی که کشور درگیر جنگ و تحریم است، موجب رنجش خاطر امام خمینی (ره) شود. این دغدغه همراه او بود تا فرصتی پیش آمد و به محضر امام شرفیاب و از ایشان جویای مسأله شد. آن طور که خود گفته است، روزی به همراه حجت‌الاسلام دعایی، سرپرست روزنامه‌ی اطلاعات، به دیدار امام می‌رود. امام با اینکه آن روز خسته بود، اما به محض شنیدن نام "گل آقا" خوشحال شدند و خندیدند. مرحوم حاج احمد نیز چندین بار به گل آقا پیام داده بود که امام، مشتری این ستون طنز شما در روزنامه هستند و آن را هر روز می‌خوانند. گل آقا خوب فهمید بود که در آن شرایط جنگ، مردم بیش از هر چیزی نیازمند "امید و نشاط" برای ادامه‌ی مسیرند و به همین علت هم از همه‌ی کارهای دیگر



انسان ۲۵۰ ساله   ۴	اطلاع نگاشت   ۲	معرفی کتاب   ۴
پیامبر (ص) در جمع مردم همیشه بَشَّاش بود	حجره‌هایی که بلندگوی دشمن شدند	تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب آیت‌الله جاودان

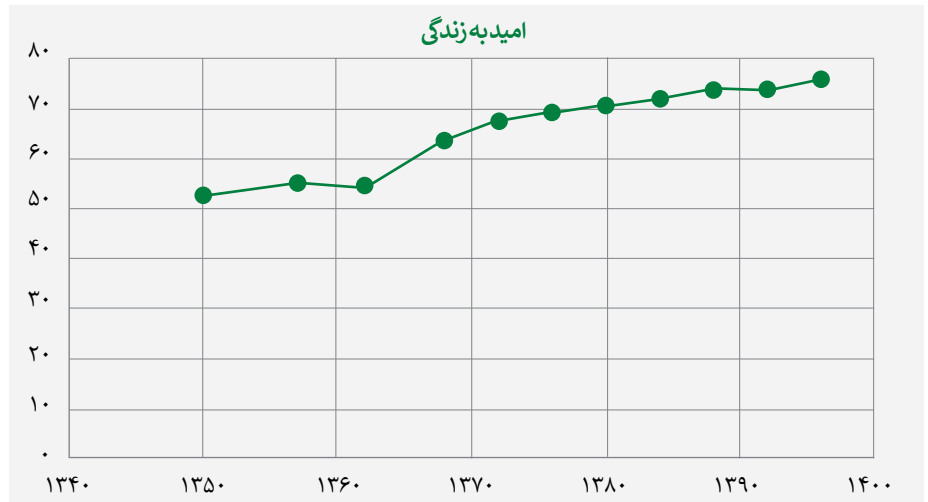
### شهدای ناوچه پیکان در تاریخ ماندگار شده‌اند | این شماره تقدیم می‌شود به روح بلند شهید محمد ابراهیم همتی فرمانده ناوچه پیکان \*

نیروی دریایی هم برای نیروهای مسلح و هم برای کشور مایه‌ی آبرو و عزت بوده و یاد شهدای این نیرو از جمله شهدای فداکار ناوچه‌ی پیکان همواره در تاریخ این کشور ماندگار خواهد بود. ۹۳/۹/۹۰ | \* حدود دو ماه پس از آغاز رسمی جنگ و در هفتم آذر ماه ۱۳۵۹، ناوچه‌ی پیکان با شرکت در عملیات مروارید و به آتش کشیدن اسکله‌های نفتی البکر و الامیه مانع از صادرات نفت عراق از طریق خلیج فارس و دریای عمان شد. اما پس از اجرای موفق این عملیات و در مسیر بازگشت، ناوچه‌ی پیکان مورد هدف قرار گرفت و ناوچه‌ی پیکان شاهد آسمانی شدن مردان پیکار با خصم دون بود. ناسروان جانباز محمد رضا نجاری، از هم‌زمان شهید همتی ماجرا را اینگونه روایت می‌کنند: زمانی که خودم را به سرعت به سطح ناوچه رساندم، هنوز هیچ کدام از هم‌زمان ناوچه را که در حال غرق شدن بود، ترک نکردم و چون ناوچه‌ی پیکان از اصابات موشک، هیچ یک از نیروها قصد ترک ناوچه را نداشتند و پس از این که ما مجبور شدیم از ناوچه خارج شویم، شهید همتی فرمانده ناوچه حاضر نشد ناوچه را ترک کند و این لحظه برای ما تداعی کننده افسانه‌ای بود که در آن می‌گوید "تا خدای کشتی هیچ گاه کشتی خود را ترک نمی‌کند."



## امیدی که به زندگی برگشت

امید به زندگی یک شاخص آماری است که نشان می‌دهد هر عضوی از آن جامعه چند سال می‌تواند توقع زندگی داشته باشد. طبعاً هر چه شاخص‌های بهداشتی و درمانی، و فضای نشاط و سرزندگی در جامعه بهبود پیدا کند، امید به زندگی هم افزایش خواهد یافت. از این رو این شاخص، یکی از شاخص‌های مهم سنجش پیشرفت یا عقب‌ماندگی کشور است. مطابق آمار سازمان‌های جهانی، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی این شاخص در کشور بیش از ۲۰ سال افزایش پیدا کرده است که در نمودار زیر قابل مشاهده است:



نام کشور	۱۹۷۹	۲۰۱۵	میزان تغییر	رشد سالانه (درصد)
ایران	۵۵٫۲	۷۵٫۲۴	۲۰	۰٫۸۳
برزیل	۶۱٫۵	۷۵٫۲	۱۳٫۶۹	۰٫۵۴
پاکستان	۵۶٫۳	۶۶٫۳۳	۹٫۹۷	۰٫۴۴
ترکیه	۵۷٫۴	۷۵٫۴	۱۸	۰٫۷۴
کره جنوبی	۶۵	۸۲٫۱۶	۱۷٫۱۶	۰٫۶۴
عربستان سعودی	۶۱٫۳	۷۴٫۵۷	۱۳٫۲۶	۰٫۵۳
مصر	۵۶٫۹۴	۷۱٫۳	۱۴٫۳۶	۰٫۶۱

همچنین طبق آمار، در سال‌های پس از انقلاب، علیرغم وجود جنگ نظامی، فشارهای اقتصادی و سیاسی، و تحریم‌های ناجوانمردانه‌ی غذا و دارو علیه ملت ایران، اما کشور توانست در میان کشورهای "هم سطح خود"، بیشترین درصد رشد سالانه را داشته باشد و با ارتقای شاخص‌های بهداشتی، رفاهی، اقتصادی و... توقع حیات را در بین مردم جامعه افزایش دهد. جدول زیر نمایانگر میزان تغییر و متوسط رشد سالیانه امید به زندگی در میان مردم کشورهای هم‌سطح ایران است.

منبع: کتاب بازخوانی پرونده‌ی یجایی عملکرد انقلاب اسلامی | تألیف: علی طاهری فرد | ناشر: دانشگاه امام صادق

روش تحلیل سیاسی

## بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست اگر...

بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید یک راه معقول قانونی وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سر می‌پیچد و کاری می‌کند که برای کشور مضر است، ضربه‌ی به منافع ملت است، خوب، با نگاه عادلانه، با نگاه متعارف، با نگاه غیر جانبدارانه، معلوم است که او محکوم است؛ این یک چیز روشنی است، یک قضاوت واضحی است. پس ببینید مطالبه‌ی بصیرت، مطالبه‌ی یک امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دام‌های گوناگون، از دوستی‌ها، دشمنی‌ها، هوای نفس‌ها و پیش‌داوری‌های گوناگون نشود. ۸۹/۸/۴

پرسش پاسخ

## برای نهادینه کردن گفت‌وگو، چه کارهایی ممکن است بر ضرر تمام شود؟

گفت‌وگو عدالت‌خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. وقتی شما روی یک مصداق تکیه می‌کنید، اولاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من می‌بینم دیگر من مواردی را مشاهده می‌کنم - نه در دانشگاه، در گروه‌های اجتماعی گوناگون - که روی یک مصداق خاصی تکیه می‌کنند؛ یا به عنوان فساد، یا به عنوان کجروی سیاسی، یا به عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلاً اتفاقاً جز جریان اطلاع دارم و می‌بینم اینجوری نیست و آن کسی که این حرف را زده، از قضیه اطلاع نداشته است. بنابراین وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه می‌کنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله‌ای به دست می‌دهید برای اینکه آن زرنگ قانوندانان قانون شکن - که من گفته‌ام قانوندانان‌های قانون شکن خطرناکند - بتوانند علیه شما استفاده کنند. ۸۷/۲/۱۴

### ۱. اختلاف؛ مهم‌ترین جرحت بر بیکره امت اسلامی

امروز امت اسلامی دچار مشکلات فراوانی است؛ جرحت‌هایی بر بیکره‌ی این امت وارد شده است و وارد می‌شود؛ مهم‌ترین اینها اختلاف است. سعی دشمنان اسلام این است که بین گروه‌های مسلمان به بهانه‌های مختلف ایجاد اختلاف کنند، شقاق و دشمنی ایجاد کنند؛ به بهانه‌ی قومیت، به بهانه‌ی مذهب، به بهانه‌ی جغرافیا، به بهانه‌ی مشکلات ارضی و مرزی؛ همه‌ی این بهانه‌ها در اختیار آنها قرار گرفته است و متأسفانه دشمن استفاده می‌کند و ما که مسئولان دولت‌های اسلامی هستیم، از این کار دشمن غفلت می‌کنیم. ۹۶/۴/۵

### ۲. برای آمریکا مسئله شیعه و سنی مطرح نیست

اینها با اصل اسلام مخالفند... اینها دروغ می‌گویند اگر می‌گویند ما با شیعه مخالفیم، با سنی موافقیم؛ نخیر. آیا فلسطینی‌ها شیعه‌اند یا سنی‌اند؟ چرا با فلسطینی‌ها این قدر بدند؟ چرا جنایت نسبت به فلسطینی‌ها را مطلقاً مورد تعرض قرار نمی‌دهند؟ غزه چقدر کوبیده شد؟ سرزمین‌های کرانه‌ی باختری چقدر تحت فشار قرار گرفت و هم‌اکنون تحت فشار قرار دارد؟ آنها که شیعه نیستند، آنها سنی‌اند. برای آمریکایی‌ها مسئله مسئله شیعه و سنی نیست؛ هر مسلمانی که خواهد با اسلام، با احکام اسلامی و قوانین اسلامی زندگی کند و برای آن مجاهدت کند و در راه آن حرکت کند، دشمن خود به حساب می‌آوردند. ۹۴/۱۰/۸

### ۳. دو عامل مانع وحدت

دو عامل عمده و کلی در مقابل وحدت وجود دارد، باید اینها را علاج کرد... یک عامل، عامل درونی ماست: تعصب‌های ما، پایبندی‌های ما به عقاید خودمان؛ هر گروهی برای خودش. باید بر این فائق آمد. ایمان به مبادی خود و اصول و عقائد خود چیز بسیار خوب و پسندیده‌ای است؛ پافشاری بر آن هم خوب است؛ اما این نباید از مرز اثبات به مرز نفی و همراه با تعرض و دشمنی و عداوت تجاوز کند. یک عامل بیرونی هم دست مغرض تفرقه‌افکن دشمنان اسلام است. نباید از این غفلت کرد. ۸۷/۱۲/۲۵

### ۴. جنگ اعتقادی نیست؛ سیاسی است

هیچ کدام از این جنگ‌ها جنگ اعتقادی نیست؛ جنگ‌های سیاسی و با انگیزه‌های گوناگون سیاسی و قومی و مانند اینها است و ربطی به مذهب ندارد، لکن دشمن یعنی آمریکا، یعنی صهیونیست، یعنی انگلیس سعی می‌کنند این دعوای را، این اختلاف‌ها را تبدیل کنند به اختلاف مذهبی؛ چون می‌دانید که اختلاف مذهبی به این آسانی‌ها تمام‌شدنی نیست. ما نباید به این هدف کمک کنیم. ۹۴/۱۲/۲۰



۱۴ این خبرهای بد و حادثه‌های ناگوارند که

معمولا پوشش داده و برجسته می‌شوند و کمتر، خبری از "خبر خوب" و نشاط آور و امیدبخش به گوش می‌رسد. یعنی دقیقا نقطه‌ی مقابل دیدگاه اسلامی، که شادی و نشاط و امید را از خصوصیات یک جامعه‌ی زنده و پویا می‌داند.

برای همین هست که مکررا در اسلام، توصیه‌ی بر شادمانی شده است. حدیث معروف امیرالمؤمنین که «الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ: مؤمن، شادی‌اش در چهره و حزنش در دل است»، مؤید همین موضوع است که اساسا جامعه‌ی دینی، جامعه‌ی مبتنی بر نشاط و شادمانی است. «اگر چه در جامعه، خیلی‌ها هستند که ممکن است آن را جدی نگیرند و فکر کنند که یک زندگی جامد و خشک و بی‌انعطاف و بی‌لیخنند، می‌تواند زندگی موفقی باشد. اما چنین نیست. اگر در زندگی تفریح سالم نباشد؛ اگر آن لبخند طبیعی که ناشی از نشاط است بر لب انسان ننشیند، زندگی بر خود انسان و بر معاشران او، جهنم خواهد شد. مادیات، مقدمه‌ی زندگی خوبند؛ و تفریح، عنصر اساسی زندگی خوب است... تفریح، یک کار اسلامی است. من قبول ندارم کسی چهره‌ی اسلام را یک چهره‌ی خشمگین و اخمو و بد اخلاق تصور کند.

«۱/۱۱/۷۱ بنا بر این «شادی لازم است و باید آن را برای مردم تأمین کرد، منتها این کار برنامه‌ریزی می‌خواهد». «۱۱/۹/۸۳ در برنامه‌ریزی برای این کار هم، حتما بایستی به "جهت‌گیری" آن توجه کرد. «باید نگاه کنید ببینید ارزش‌های اسلام و انقلاب چیست؛ این ارزش‌ها را به دست بیاورید؛ شوخی و خنده‌مان هم باید در این جهت باشد؛ سرگرمی و تفریح‌مان هم بایستی در این جهت باشد؛ کار روی افکار عمومی مردم همه باید در این جهت باشد.» ۲۹/۱۱/۷۰

در سیره‌ی پیامبر اعظم (ص) که روزهای پیش رو مصادف است با روزهای میلاد ایشان، نیز این موضوع همواره به چشم می‌خورد که: «محیط زندگی پیغمبر، محیط شادی هم بود؛ با افراد شوخی می‌کرد، مسابقه می‌گذاشت و خودش هم در آن شرکت می‌کرد... ۲۸/۲/۸۰ رفتارش با مردم، رفتار خوش بود. در جمع مردم، همیشه بشاش بود. تنها که می‌شد، آن وقت غم‌ها و حزن‌ها و همومی که داشت، آنجا ظاهر می‌شد. هموم و غم‌های خودش را در چهره‌ی خودش جلوه مردم آشکار نمی‌کرد. بشاش بود.» ۲۳/۲/۷۹

باری، «زندگی باید شادمانه باشد و شادمانه بگذرد» ۱/۱/۷۱ و چه بهانه و مناسبتی بهتر از ایام ولادت حضرت ختمی مرتبت، پیامبر اکرم (ص) برای شادی و شادمانی. این روزها که کشور درگیر برخی از مشکلات و معایب است، جامعه بیش از هر زمان دیگری نیازمند نشاط و امید است و نیروهای مؤمن و انقلابی، می‌توانند پیشروان این موضوع باشند. ●

۶. مراد و مقصود ما از وحدت

مراد ما از وحدت اسلامی، یکی شدن عقاید و مذاهب اسلامی نیست. میدان برخورد مذاهب و عقاید اسلامی و عقاید کلامی و عقاید فقهی - هر فرقه‌ای عقاید خودش را دارد و خواهد داشت - میدان علمی است؛ میدان بحث فقهی است؛ میدان بحث کلامی است و اختلاف عقاید فقهی و کلامی میتواند هیچ تأثیری در میدان واقعیت زندگی و در میدان سیاست نداشته باشد. مراد ما از وحدت دنیای اسلام، عدم تنازع است: «ولاتنازعوا ففتشوا». تنازع نباشد، اختلاف نباشد. ۲۰/۵/۸۵

۵. حنجره اختلاف افکن؛ بلندگوی دشمن

هر حنجره‌ای که در جهت اختلاف حرف بزند، بلندگوی دشمن است؛ چه خودش بداند، چه نداند. ۲/۳/۹۴ شیعه‌ی انگلیسی و سنی آمریکایی مثل هم هستند؛ همه، دلبه‌ی یک قیچی هستند؛ سعیشان این است که مسلمانها را به جان هم بیندازند؛ این پیام اراده‌ی تفرقه است که اراده‌ی شیطانی است؛ اما پیام وحدت این است که اینها از این اختلافات عبور نکنند، در کنار هم قرار بگیرند، با هم کار کنند. ۲۷/۹/۹۵ آن تشییعی که ارتباط به ام‌ای شش انگلیس داشته باشد، آن تستنی که مزدور سنی‌ای ای آمریکا باشد، نه آن شیعه است، نه آن سنی است؛ هر دو ضد اسلامند. ۱۹/۱۰/۹۳

هم‌زمان با هفته وحدت، خط حزب الله بررسی می‌کند:

حنجره‌هایی که بلندگوی دشمن شدند

در تاریخ اسلام همواره دشمنان دین در صدد بوده‌اند تا آرای متفاوت شیعه و سنی را به عنوان بستری برای نفوذ و ایجاد اختلاف و کسب منافع خود قرار دهند. برخی افراد از درون هر دو گروه هم با ساده‌لوحی یا حتی خیانت به این جریان کمک کرده‌اند. اما تأکید امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب بر روی موضوع وحدت حکایت از نگاه راهبردی ایشان به این مسئله دارد. در آستانه‌ی میلاد پیامبر اکرم (ص) و هفته‌ی وحدت، خط حزب الله برخی از مواضع رهبر انقلاب در این زمینه را بررسی می‌کند.

۷. اگر مسلمان‌ها متحد شوند...

امروز نگاه دستگاه استکبار و استعمار به دنیای اسلام، این است که سعی میکنند دنیای اسلام را هر چه بیشتر از وحدت خود دور کنند. این برای آنها تهدید است. یکونیم میلیارد مسلمان، این همه کشورهای اسلامی با این همه منابع، این نیروی انسانی فوق‌العاده؛ اگر این مجموعه متحد باشد و با وحدت به سمت اهداف اسلامی حرکت بکند، قدرتمندان دیگر نمیتوانند در دنیا کوس قدرت بزنند. ۲۷/۹/۹۵

۸. وجود مقدس پیامبر؛ نقطه کانونی اتحاد

وجود مقدس پیامبر اعظم، نقطه‌ی کانونی توجه محبت‌ها و علائق احاد ملت‌های مسلمان است. همه عشق می‌ورزند به پیغمبر؛ این نقطه‌ی کانونی است؛ این نقطه‌ی اصلی است. قرآن محل توجه و اعتقاد همه‌ی مسلمانان است؛ کعبه‌ی شریف همین جور؛ چقدر مشترکات بین مسلمانها زیاد است؛ این مشترکات را مورد توجه قرار بدهند. ۲۷/۹/۹۵

۹. شهیدای مدافع حرمی که اهل سنت‌اند

ما امروز در کنار خود، از برادران اهل سنت کسانی را داریم که با ما و همراه ما دارند در دفاع از حرم اهل بیت می‌جنگند و کشته می‌دهند، شهید می‌دهند. خانواده‌هایی از شهیدای مدافع حرم پیش من آمدند که در بینشان چند خانواده‌ی سنی بودند. خوب، این برادر اهل سنت که برای دفاع از حرم حضرت زینب یا حرم امیرالمؤمنین یا حرم سیدالشهدا جوان خودش را گسیل می‌کند به جبهه، بعد هم که پیش ما می‌آید، به جای اظهار تأسف، به جای اظهار غم و اندوه یا گله و شکایت، ابراز افتخار می‌کند که پسر من در این راه شهید شده؛ این را ما باید برنجانیم؛ این را ما باید کاری کنیم که از مادر بشود؛ اینها نکات مهمی است؛ اینها نکات اساسی‌ای است. ۲۰/۱۲/۹۴

۱۰. خط جمهوری اسلامی و خط امام

ما در حمایت از مظلوم نگاه به مذهب طرف مقابل نمی‌کنیم؛ و نکردیم؛ خط امام بزرگوار این بود. امام همان رفتاری را که با مقاومت شیعه در لبنان داشت، همان رفتار را با مقاومت سنی در فلسطین [هم] داشت؛ بدون هیچ تفاوتی. ما همان حمایتی را که از برادرانمان در لبنان کردیم، از برادرانمان در غزه [هم] کردیم؛ بدون هیچ تفاوتی. آنها سنی بودند، اینها شیعه‌اند. مسئله برای ما، دفاع از هویت اسلامی است. ۲۶/۵/۹۴



شهدائنا لا اله الا الله



حزب الله (ع) این است

## جوان‌های مؤمن باید کشور را ز وابستگی خارج کنند

همواره به مسئولین گفته‌ایم سعی کنند تا آنجایی که ممکن است، ما اقتصادمان را از فروش نفت خام جدا کنیم. ما که داریم نفت خام را می‌فروشیم، در واقع ثروتی را و موجودی مان را که قابل تجدید هم نیست و تمام می‌شود، از زیر زمین در می‌آوریم می‌فروشیم، پول می‌گیریم، صرف اداره‌ی کشور می‌کنیم؛ این غلط است. بایستی این سرمایه را به نحوی استعمال کرد، به نحوی به کار برد، به نحوی مصرف کرد که در آمد افزوده داشته باشد؛ ما باید مصرف بهینه بکنیم از نفت. یکی از اشکالات مهم اقتصاد ما وابستگی است. خب جوان‌های مؤمن ما، آن کسانی که اهل فکرند، اهل کارند، بنشینند راه‌هایی را پیدا کنند برای اینکه بتوانند کشور را از وابستگی خارج کنند. البته سیاست‌های این کار طراحی شده؛ ما این صندوق توسعه‌ی ملی را که در سیاست‌های کلی تشکیل داده‌ایم و ابلاغ کرده‌ایم، به خاطر همین است که بتوانیم از وابستگی به نفت خارج بشویم. ● ۹۷/۸/۱۲

## پیامبری خواست

### همه عالم به نور برسند

پیغمبر اکرم برای این کافرهایی که مسلمان نمی‌شدند و مؤمن نمی‌شدند

غصه می‌خورد. در آیه‌ی شریفه هست که: مثل اینکه می‌خواهی خودت را هلاک کنی برای اینها. می‌خواست که همه‌ی عالم به نور برسند. مبعوث شده بود برای اینکه همه‌ی این هیاهوهای



دیدار فرماندهان ناچا با رهبر معظم انقلاب اسلامی | ۹۷/۸/۲۷

## سلام مرابه خانواده شهدای ناچا برسانید

فرمانده نیروی انتظامی و جمعی از مسئولان بخش‌های مختلف ناچا ظهر یکشنبه (۹۷/۸/۲۷) دیدار کوتاهی با رهبر معظم انقلاب داشتند و نماز ظهر و عصر را به امامت ایشان اقامه کردند. معظم‌له سپس با قدرانی از فعالیت‌ها و خدمات ارزنده‌ی نیروی انتظامی گفتند: سلام من را به خانواده‌ی شهدای ناچا، نیروهای مرزبانی، یگان‌های مختلف ناچا و خانواده‌های آنان برسانید. پیش از اقامه‌ی نماز، سردار اشتری گزارشی از فعالیت‌ها و عملکرد نیروی انتظامی خصوصاً در ایام اربعین بیان کرد.

که در دنیا هست و این هیاهوها برای خود است، برای رسیدن به قدرت خود است، این هیاهوها از بین ببرد، و یک خداخواهی در مردم ایجاد کند، توجه به نور ایجاد کند. ● ۵۲/۱۳۵۸

خطرات رهبری

## بعضی‌ها از حضور نیروهای بسیجی می‌ترسیدند

بعضی‌ها می‌ترسیدند، بعضی‌ها از پیش قضاوت می‌کردند که نمی‌شود - اصلاً می‌گفتند نمی‌شود - هر جا هم حضور بسیجی بود، مخالفت می‌کردند. من می‌دیدم مردان مؤمن با صلاحیت ارتش منظم آن روز ما استقبال می‌کنند از این که مجموعه‌ی بسیج با آنها و همراه آنها باشد؛ این را من خودم در دوران جنگ مکرر دیدم؛ در یادگان ابودر، در جنوب، در شمال غرب. خود فرمانده ارتش اصرار داشت که مجموعه‌ی بسیجی با او همراه باشند؛ دوست می‌داشت، استقبال می‌کرد؛ اینجا در تهران یک عده‌ای نشست‌بوندند، نق می‌زدند که آقا چرا اینها وارد شدند؟ چرا بدون اجازه رفتند؟ چرا فلان اقدام را کردند؟ از حضور بسیجی ناراحت بودند. چون امید نداشتند، مأیوس بودند، می‌گفتند نمی‌شود کاری کرد؛ اما وقتی که وارد شدند، دیدند این ورود، امید آفرین است؛ همه‌ی این استعدادها را جوشش می‌دهد. ● ۹۷/۷/۲۴

انسان ۲۵۰ ساله

## پیامبر (ص) در جمع مردم همیشه بشاش بود

{پیامبر} رفتارش با مردم، رفتار خوش بود. در جمع مردم، همیشه بشاش بود. تنها که می‌شد، آن وقت غم‌ها و حزن‌ها و همومی که داشت، آنجا ظاهر می‌شد. هموم و غم‌های خودش را در چهره‌ی خودش جلوه مردم آشکار نمی‌کرد. بشاش بود. به همه سلام می‌کرد. اگر کسی او را آزرده می‌کرد، در چهره‌اش آزرده‌گی دیده می‌شد؛ اما زبان به شکوه باز نمی‌کرد. اجازه نمی‌داد در حضور او به کسی دشنام دهند و از کسی بدگویی کنند. خود او هم به هیچ کس دشنام نمی‌داد و از کسی بدگویی نمی‌کرد. کودکان را مورد ملاحظت قرار می‌داد؛ با زنان مهربانی می‌کرد؛ با ضعیفاً کمال خوش رفتاری را داشت؛ با اصحاب خود شوخی می‌کرد و با آن‌ها مسابقه‌ی اسب‌سواری می‌گذاشت. زیارت‌اش یک حصیر بود؛ بالش او از چرمی بود که از لیف خرما پر شده بود؛ قوت غالب او نان جو و خرما بود. نوشته‌اند که هرگز سه روز پشت سر هم از نان گندم - نه غذاهای رنگارنگ - شکم خود را سیر نکرد. ● ۷۹/۲/۲۳

معرفی کتاب

## تقریر رهبر انقلاب بر کتاب آیت‌الله جاودان

{ایمان ماندگار} تهیه و منتشر شده است. سوالات این مجموعه طی ۵ سال از سوی مردم به خصوص جوانان و از طریق پایگاه اینترنتی آیت‌الله محمدعلی جاودان مطرح شده و پس از چند مرحله انتخاب، تصحیح و تحقیق توسط محققین، در بخش‌ها و موضوعاتی متنوع چاپ شده است. صاحب اثر در مقدمه‌ی کتاب چنین گفته است: «دوستان، پایگاهی فراهم کردند و از این طریق، راهی برای خدمت به دست آمد؛ البته دست کوتاه بود و توان خدمت‌گزاری اندک. در همین کوتاهی و اندکی، سؤالاتی رسید و جواب‌هایی در حد توان عرضه شد و اینک نتیجه سؤال‌ها و جواب‌ها در محضر شمامست. امتیاز ویژه‌ای که این کتاب از آن برخوردار است از آن شخصیت مؤلف است، ایشان جزو اساتید مبرز اخلاق تهران هستند. جلسات اخلاق سال‌های متمادی است که برقرار است و جوانان جویای معارف اسلامی و رهنمودهای اخلاقی، عمده مخاطبین این جلسات هستند.

پاسخ‌هایی که در کتاب ارائه شده نیز حاصل دانش و تجربیات یک عالم و استاد اخلاق است که خود شاگرد خاص عالم ربانی و اخلاقی مرحوم آیت‌الله حاج میرزا عبدالکریم حق‌شناس بوده و همچنین از محضر اساتیدی چون علامه عسگری، مرحوم مجتهدی تهرانی و... بهره‌های فراوان برده است. رهبر انقلاب نیز در مردادماه امسال، این کتاب را مطالعه کرده و در تقریظی کوتاه بر آن، مطالب آن را سودمند و برای جوانان لازم یا راهگشا دانسته‌اند. متن تقریظ ایشان بدین شرح است: «بسم الله الرحمن الرحیم. بخش عمده‌ی آن کتاب مطالعه شد، مطالب سودمند بسیاری در آن هست که برای جوانان دانستن آنها لازم یا راهگشا است. خداوند به همه‌ی آنان توفیق دهد و مؤلف محترم را محفوظ بدارد بمتن و کرمه. مرداد ۱۳۹۷» ●



کتاب «رهنمای طریق» مشتمل بر ۵۸۰ سؤال پرسیده شده از آیت‌الله جاودان و پاسخ‌های ایشان است که توسط مؤسسه‌ی

خبر ویژه

- نام: رهنمای طریق، پرسش‌هایی برای زندگی بهتر
- مؤلف: محمدعلی جاودان
- ناشر: مؤسسه ایمان ماندگار
- تاریخ چاپ: ۱۳۹۴
- تعداد صفحه: ۵۶۰